

متن پرسش

سلام علیکم: در سوره مائده آیه ۱۰۹ آمده (روزی که خداوند پیامبران را جمع می‌کند و به آنها می‌گوید در برابر دعوت شما چه پاسخی داده شد؟ می‌گویند ما چیزی نمی‌دانیم تو خود از همه اسرار نهان آگاهی) و در آیه ۱۱۷ همین سوره حضرت عیسی (ع) در پاسخ به سوال خداوند متعال عرض می‌کند (من جز آنچه به آن فرمان دادی چیزی به آنها نگفتم. تا زمانی که در میان آنها بودم مراقب و گواهشان بودم ولی هنگامی که مرا از میان آنها برگرفتی تو خود مراقب آنها بودی و تو بر هر چیز گواهی) ظاهر این دو آیه خصوصاً آیه اول نشان می‌دهد که انبیا با آن مقام بلند بعد از رحلت از مسایل امتها بی‌خبرند و این با شاهد اعمال امت بودن در بعضی آیات دیگر سازگاری ندارد آن را چگونه باید حل کرد؟ خصوصاً اینکه آنها مظهر اسم محیط و علیم هم هستند و اهل سنت و خصوصاً وهابیت با استناد به همین آیات توسل و درخواست از آنها را زیر سوال می‌برند و مدعی هستند که آنها ادراکی نسبت به اینجا ندارند (البته با استناد به همین آیات) نظر جنابعالی چیست؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: هرکدام از آیات مذکور در جایگاه خود، پیام خود را دارا می‌باشند. در آیه‌ی ۱۰۹ سوره‌ی مائده نظر به علم مطلق الهی و علام‌الغیوب بودن حضرت حق دارد که علم انبیا در مقابل آن علم، علم به حساب نمی‌آید. به گفته‌ی علامه‌ی طباطبایی این آیه نفی علم مطلق و همه‌جانبه‌ی انبیا را مدّ نظر می‌آورد و در آیه‌ی ۱۱۷ سوره‌ی مذکور حضرت عیسی «علیه‌السلام» در محضر حق عرض می‌کنند من وظیفه‌ی خود را طبق امری که فرمودید انجام دادم و در این رابطه ناظر بر حرکات آنها بودم، ولی چون مرا گرفتی، تو همواره در راستای حضور مطلق خود، ناظر بر آنها بودی از آن جهت که حضرت عیسی «علیه‌السلام» نحوه‌ی حضور مطلق خدا را در این آیه متذکر می‌شوند. و این غیر از آن است که انبیا در آن حدّ که اذن دارند، شاهد بر اعمال پیروان‌شان نباشند. می‌ماند که آیا اساساً بحث «شاهد اعمال» در چنین رابطه‌ای باید مورد بحث قرار گیرد، یا جای و جایگاه دیگری دارد؟ در این مورد عرایضی در کتاب «مبانی نظری نبوت و امامت» شده است. موفق باشید